

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
ویومه (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دیر اداره آشیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## ویومه

## هفتاد و دو روز

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخه ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
قیمت اعلان سطر  
دو قران است

(روزنامه ویومه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

یکشنبه ۱۴ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۴ بهمنماه جلالی ۸۲۹ و ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸ میلادی

(بلیت دولتی راجع بشماره قبل)

بیفایده است و باید دوباره آترا رها کرد در محاربات این عصر باید غنیمتی که بچنگ میاید تلافی خسارت سرب و باروت که بمصرف رسیده در آورد و ایران اگر در جاده خود حرکت کند و پازا از کلیم خویش درازتر نماید و متعرض کسی نشود آن غنیمتی نخواهد بود که برای تسخیر کنندگان آن صرفه و سودی داشته باشد اما تا کنون ما از جهة ثانی که در فوق مذکور شد گرفتار مخاطره تعرض خارجه بودیم یعنی سر راه هندوستان واقع بودیم که اگر دولت روسیه از راه خشکی میخواست بان مملکه برسد از خراسان و سیستان عبور میکرد و اگر راه دریا را اختیار مینمود تمام ایران را میبایست بمصرف باشد و بخلج فارس برسد و مقام خود را در انجا محکم کند بعد از دو جانب یعنی خشکی و دریا که سیستان و خلیج فارس باشد بسوی هندوستان حمله ور گردد لکن وقایع سنوات اخیر و پیشرفت این امر را بجهت روسیه بحال نموده و دولت مشارالیه این مسئله را بواسطه قرار دادی که بانگلیس گذاشت در مقابل تمام عام اذعان نموده و این امر برای ما اسباب خوشوقتی بزرگ باید باشد بواسطه اینکه مملکه ما دیگر معبر روسیه بجهت رسیدن به هندوستان نیست و آترا متزاحه مسافرت بان دیار نمیتواند قرار دهد و بنابراین عاۃ بلیتکی بجهت لشکر کسی بایران و تصرف این مملکه ندارد لهذا وقایع سنوات اخیر و ما بقال نیکو میگیریم و معمای قرار داد روس و انگلیس را اینطور حل و تعبیر میکنیم که اگر میا بانیم که فرصت و موقع را غنیمت بشمریم و از حسن اتفاق بهره ببریم امیدواری حاصل است که آتیه مملکت ما بسیار خوب شود سابق برین که مردم ایران خواب بلکه مرده بودند این عنکت فی نفسه قابل و لایق

اما در باب ایران هیچ مانعی بعاۃ اولی برای تصرف آن جنگ نخواهد کرد زیرا که تملك مملکت ما بمحصار به وزد و خورد نیباززد در نظر اروپائیهما ما فقط چند گروه مردمان نیم وحشی هستیم که اکثر فقیر و عربان و کرسنه ایم نه رودخانه داریم نه بندر نه معادن فراوانی و ازبایات کیفیت سیاسی و مذهبی مملکه ما بجهت سکناک اروپائیهما و آبادی کردن ایشان چندان مناسبتی ندارد و در صورتیکه هنوز در دنیا تقاطی که بهتر و باثروت تر است و گرفتن آتم سهل میباشد هیچکس برای تملك ولایت ما پول و قشون بمصرف نیرساند مملکه ایران اکثر بیابان است و متنها بقدر دو عشر تمام سطح آن با حدود حالیه در سنواتیکه زراعت خوب است در تحت زراعت در میاید و برای اینکه قسمت عمده از اراضی بایر مزروع شود سرمایه و مخارج کراف لازم خواهد بود نبودن راه و بازار معامله مسئله استخراج معادن را هم مشکل و بیجاسل کرده معادن آهن و ذغال سنگ و مس هر چند زیاد است در آنها از روی صرفه نمیتوان کار کرد چون اگر هم این اشیا نفیسه از معدن استخراج شد و برای حمل مهیا گردید کرانی کرایه طوری است که سرمایه که درین امر بمصرف برسد سوخت میشود در اکثر نواحی ایران چیزهاییکه انسانرا بخورد و خون او را بتکد بیشتر است تا چیزی که بدرد انسان بخورد مختصر تسخیر ایران بتزله دوشیدن ماده شیراست و بهترین فرضی که دوباره آن میتوان کرد اینست که تفنن پرخرجی است و مثل گرفتن اسپهای وحشی است در جنگل که شخص را بمخاطره زیاد میاندازد و بعد از آتم که اسب را گرفتند

مستشارالدوله ، آقای تقی زاده ، حاج امین الضرب ، حاجی  
مبین التجار ، حاج محمد اسمعیل آقا ، حاج محمد آقا ، ممتازالدوله  
و گفته شد که اگر اشخاص دیگر را هم انتخاب نمایند  
ضروری ندارد

اظهار شد که برای اتمام و اكمال مواهب ملوکانه  
لازم است که مزدگانی این مساعدت و اتحاد را همه ولایات و  
رؤسای ایلات تلکراف نموده تا اثر فوری ظاهر شود  
و همچنین بحجج اسلام نجف که منتظر ظهور نتیجه هستند  
تلکراف شود گفته شد که آقایان حجج بنجف تلکراف  
نمودند ولی تلکراف ولایات را باید مجلس بنماید گفته شد  
که از هر دو طرف بهتر است

در خصوص قسم خوردن و کلای باقی مانده و اجزای  
ادارات دولتی مذاکره شد گفته شد که کلا در روز شنبه و اجزاء  
ادارات در روز عید غدیر که یوم مبارک است قسم یاد نمایند  
تلکرافی از سپه دار قرائت شد که شازده نقر دیگر از اسرا گرفته شد  
و دیگر اسرای خراسانی در این حدود نیست از برای ایلیخانی  
امتیاز درجه دویم سرتپی و از برای میرزا غلام خان درجه  
اول سرهنکی خواسته که خدمت نموده اند و نیز استعداد  
برای استرداد اموال منسوبه و حفظ سرحد خواسته گفته شد که  
بوزیر جنک اظهار شد معلوم نشد چه اقدامی کرده اند

رحیم خان سردار نصره که باذن مجلس مرخص شده  
بود به همراهی آقای آسید محمد مجتهد بمجلس آمده قسم یاد  
نموده که با مال و جان حاضریم که خدمت باین اساس بنمایم و داو  
طلبانه بدون اینکه از دولت و ملت استعداد بخوایم میروم  
سرحد ارومی و ساوجبلاغ را منظم مینایم اظهار همراهی  
و تشکر از صدق نیت او شده

آقای آسید عبدالله مجتهد شرحی مبنی بر ندامت سالار  
مفخم و همراهی او و دادن ضامن و یاد کردن قسم فرمودند  
که مجلس از سرتقصیر او گذشته مرخص نماید که برود و اسرا را  
استرداد کند جمعی تصدیق کردند ( مجلس ختم شد )

● (۰) رسید مزده که ایام عم نخواهد ماند (۰) ●  
● (۰) چنان نماید چنین نیز هم نخواهد ماند (۰) ●  
در هفته قبل از شدت پریشانی و اختلال حواس  
از اوضاع ناکوار مملکت و اخبار موحشانه که متصل  
مثل سیل از اطراف میرسید و هر لحظه داعی روی داغ ما  
مینهاد حتی در شهر پایتخت نیز مردم از عدم اطمینان  
و سلب امنیه خواب راحة نداشتند از درج وقایع نیکو  
و اتفاقات مستحسنه که نوید اصلاح مفاسد میدهد و امید  
رفع خرابیها و حصول مقاصد توانداشت بازماندیم و عمده  
بواسطه دست آوردن مأخذ صحیح و خاطر جمعی کامل  
دست نکه داشتیم تا آنکه بحمد الله آفتاب اتفاق ناپیدن  
گرفت و باوج یکانگی و نصف النهار اتحاد حقیقی رسید

تسخیر نبود چرا که اگر بود مدتها قبل ازین آترا خورده  
و تحلیل هم برده بودند حالا که تمام اهل این  
سرزمین باتش آزادی و وطن پرستی بجوش آمده اند  
تسخیر آن البته مشکل تر است و اینکه در قرار داد سابق  
الذکر دولت انگلیس دائره نفوذ روس را زیاد کرده و آنرا  
تا اسفهان و یزد بسط داده بعلا اینست که درین دو سال  
آخر اهمیت هیجان جدیدی را که در ایرانها پیدا شده  
و شور و ذوقی که در آنها بروز کرده مشاهده نموده و  
معتقد شده است بر اینکه حالا میتوان ایرانها را بحال خود  
گذاشت که حفظ مصالح خویش بنمایند حاصل اینکه بعدها  
هر دو همسایه مقتدر مافقط در صدد تحصیل مزایا و منافع  
ثروتی خواهند بود و اگر ما اتقدر عقل و کفایه داشته  
باشیم که بتوانیم از موقع و مقام بهره حاصل کنیم از این  
هر دو همسایه پیش از آنچه آنها ممکن است از ما منتفع  
شوند ما از آنها فایده خواهیم برد چرا که آنها غنی هستند  
و مافقی و بنا برین اگر بخوانند با ما معامله کنند و  
بیشتر از آنچه از ما می گیرند باید بماندند و اگر  
بخواهند در مملکت ما سرمایه بیاورند و بکار بزنند و قلع  
تجارتی به برند مملکت ما آباد میشود و عمده قلع عاید ما  
میکردد و بنا برین هر چه آنها سرمایه بیشتر بایران بیاورند  
و بمصرف برسانند برای ما بهتر خواهد بود

امضا کابوس ( بقیه دارد )

( خلاصه مذاکرات دارالشوری ۵ شنبه ۱۱ ذیحجه )

در خصوص شرفیانی و کلا در روز عید بحضور همیونی  
اظهار شد که از ظهور عواطف ملوکانه و اقدامات سریمانه  
و محدان در این دوروز کمال امید واری حاصل و امید است  
که دیگر هیچ کس نتواند بالقاء شبهه و وسوسه خاطر شان را  
مشوش نماید مجلس هم که همیشه راه پیمای خیر و صلاح  
و در جاده مستقیم تنظیم و اصلاح بوده و خواهد بود از باب جراند  
و ناطقین انجمنها هم که همشان بترقی ملک و مملکت حفظ و  
رعایت حدود این اتحاد حقیقی را نموده بعبارات و بیانات غیر  
مرضی موسوسین را راهی نمیند و دست بدست هم داده در  
این موقع خطرناک مملکت را نجات دهیم عریضه جناب  
فتح السلطان کشیکچیباشی سابق بمجلس نوشته که داوطلبانه  
حاضریم بروم در سرحد ساوجبلاغ اشرا را دفع و انجارا  
امن نمایم گفته شد که بسیار خوب است باید بوزیر داخله اظهار  
کردا که تصویب نمودند بروند

اظهار شد که یک کسیون فوق العاده مرکب از چند نفر  
وکلا خیر و بصیر برای امورات سرحدی و ترتیب جواب  
تلکرافهای اطراف و غیره باید تشکیل شود که همیشه مشغول  
بکار و امورات در موقعش اجری شود گفته شد خیل لازم است  
نه تراسمی ذیل را معین نمودند ، حاج امام جمعه ، وثوق الدوله

انفاق و یکانگی بر کشوری تابدهر که گناه ترقی در طوائف آن نروید محمد خدا را که از تأییدات غیبی وجود مقدس ظل الهی و وجود بزرگان از علماء و وزراء و اعیان حامی اساس مشروطیة شده و در حفظ استقلال این آب و خاک و مساعدت با مجلس شوری بکلام الله مجید قسم یاد کرده اند از برکت این اتحاد میتوانیم یقین حاصل کنیم که ایران از ویرانی بدر آمد و دندان طمع یکانگان از ما کنده شد و دست تمدی همسایگان از سر ما کوتاه شد ریسمان بلتیک اجانب کسبخته شد حالا دیگر دوام دودمان سلطنت راغبین داریم و استقلال دولت را مسلم میدانیم ( دشمن چکند چه مهربان باشد دوست ) اگر چه بر عموم ایرانیان تأیید از طلوع این صبح سعادت بی نهایت سخت گذشت چه خونهای پاک که بخاک ریخت و چه برادران دینی که هر یک نخل بوستان جوانی بودند به تیشه ظلم و عناد از یاد افتادند چه خانها که در ارومیه و خوی و بران شده خائمانها که در کردستان بیاد رفت چه ناموسها که بدست دشمن افتاد چه قدر بیگانگان و اجانب از دور بیاختند کاهی شیرازه شیراز برهم خورد زمان طوالش و کرکان طعمه کرکان شد و قتی مخالفین عراق را بشور و نفاق انداختند روزی در شهر طهران غوغای نشور بیا کردند و اقامت نامند سخنی که نکشیدیم و محنتی که ندیدیم شبی نبود که از هجوم غصه و خیالات خوابی راحة کنیم و روزی نگذشت که از وقوع انقلابات دمی استراحة نمانیم کشتی مملکت در گرداب فتنه زلزله و در شرف غرق بود و استقلال دولة و مائة قرین ذل و هلا که مینمود چکرها از غصه پر خون بود دیده ها چرخون امید که از این جنبش مردانه و حسن اتفاق بزرگان غیور و اولیای امور آن ناخوشی تمام بخوشی و آن عمرتها به بشرت مبدل گردد تمام دست یکدیگر را گرفته در طریق ترقی قدم زیم و از پیش افتادگان پس نمانیم زیرا که بحمد الله و الهه مانع و غایبی دیگر در شامراه سعادت و ترقی نمانند

- ﴿ شکر کاند باره ملت علی رغم حدود ﴾
- ﴿ بر سر مهر و وفات خسرو دانش گرین ﴾
- ﴿ خسرو اعظم شهنشاه معظم کاسمان ﴾
- ﴿ بردش دارد ز خور داغ غلامی بر چین ﴾
- ﴿ باش ای ایران که تا در سایه شوری وشه ﴾
- ﴿ ذره خاکت کشد خورشید را زیر نکلین ﴾
- ﴿ باش تا در سایه شاهنشاه مشروطه خواه ﴾
- ﴿ بهتر و برتر شوی از عهد پور آیین ﴾
- ﴿ شاه و مجلس را بود بدخواه که چون کوه قاف ﴾
- ﴿ قلبش از غم باد یارب رخته تر از فرق سین ﴾
- ﴿ خلعت مشروطیت تا شاه ما دارد بدوش ﴾
- ﴿ دامن آخر زمان بادش طراز آستین ﴾
- ﴿ بردوام دولت شه از دل و جان شد دعا ﴾
- ﴿ بر خلائق فرض و واجب خاصه بر حبل المتین ﴾

و عرصه مملکترا که از انبوهی ابرهای تیره و کدر غرض و نفاق تیره تر از شام دیجور و تاریکی شب کور شده بود چون روز روشن و خاطر وطن خواهانرا از خرمی چون ساحت جنان و صحن گلشن نمود از توجهات حجة عصر صلوات الله علیه و الطاف ملوکانه پدر ناچندار اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری و حسن اقدامات بزرگان و خیر خواهان دولة و ملة خاصه حجج اسلام و جناب احتشام السلطنه رئیس مجلس و دیگر از وکلا و امراء عظام اتفاق حقیقی و اتحاد واقعی بین دولت و ملة که دو لفظ و یک معنی هستند بل بین تمام افراد و اهالی مملکت بعمل آمد و اعلیحضرت ظل الهی این نکته را بخوبی دریافته و در نظر مهر مآثر همیونیش واضح و آشکارا شده که این زحمات ملة و خدمات شاه پرستان صافی طینة تمام محض ترقی و استقلال دولة و عظمت و اقتدار سلطنت و اہت و جلالة شخص شخص اعلیحضرت است کج بینان و غرض اندیشان جانشانی ملترا در ارتقاء سلطنت عمداً بر خلاف جلوه می دهند عاقبت بخت یار و توفیق مدد کار شده و مشیت ایزدی قرار گرفت بر این که دولت ایران ایمن از زوال و فنا گردد و متمتع بخود ایرانیان باشد و سلطنت بانهایت استقلال و عظمت در این سلسله جلیله و دودمان رفیع تا ظهور قائم بردوام بماند در یوم دوشنبه هشتم که هیئتی از امرا و بزرگان بار حضور هما یونی یافته رای جهان آرای ملوکانه اقتضا کرد که عموم دربار یان و رجال در خیر خواهی مملکت و خدمت بدولة تجدید قسم نمایند حتی ذات مقدس پادشاهی در اجرای قوانین عدل و داد و همراهی ملة و نگهداری مملکت بکلام الله مجید قسم یاد نمودند و موجبات امنیت و آسایش رعیت و تسکین آشوب و انقلاباترا چنانکه در خور آن وجود مقدس است بر عهده ملوکانه گرفتند و بنفس نفیس تشریف فرمای تلکرافخانه شده و بنقاط لازمه احکامات اکیده در آسایش بلاد و آرامش عباد صادر فرمودند و مزده اقدامات ملوکانه را در استراحة رعیت و امنیت مملکت به بندگان و فرزندان خود رسانند صد شکر که بنای استقلال و استحکام مملکت و اساس دوام ترقی دولت بر شالوده صحیح و محکم که عبارت از اتفاق و اتحاد است گذاشته شد البته وقتیکه اهل یک مملکتی بر حفظ حقوق و شئون دولتی خود متحد گردند و لو هر چه کم و کوچک باشند بمضمون بدالله مع الحماة از هیچ مانع و رادع خارجی نیندیشیده در بنای سعادت و نیک بختی خود میکوشند اغراض شخصی و تبانیات خصوصی را دور انداخته با تمام قوا تا آخرین نفس در حفظ وطن و نگهداری آب و خاک خود سعی میکنند حکیمی معروف گوید که تا آفتاب

را بقتل رسانده قریه را متصرف و اهالی را از مردوزن  
بجنگل فرار داده اند حاجی بیوک آقا نایب الحکومه استارا  
که باعث اینهمه قتل و غارت از استارا بجهت مصباح الملک  
کلوله و لوازم دیگر میفرستد روز پنجشنبه ۱۲ ذیحده  
خبر رسید که بحکم رشید الملک خوانین نین با پانصد سوار  
بغارت استارا می آیند ناکه غروب وارد شده از اول خانها  
گرفته مشغول غارت شدند اهالی بیچاره اوضاع را چنین دیده  
پناه بروسیه برده رو بفرار نهادند آه و ناله حضرات باسپان  
بلند بود

( و احمد زین قوم • و اشرف تازین دن )

( کافران بما کوبند • داد از این مسلمانان )

کریم کردکارا تاکی از دست این لامذهبان رعیت  
بیچاره همواره اسیر ظلم و ستم باشند هر چه بدارالشورا تلکراف  
کردند بدبختانه جوانی نیامد دو نفر دیگر شجاع لشکر و  
جلال لشکر از طرف حکومت وارد بدتر از خوانین مسلمان  
نشود کافر نه بیند اهالی از شدت ظلم و تعدی پویش پویش  
بخیال تبیت خارجه هستند چندی نمیگردد تمام اهل  
استارا تبعه خارجه خواهند شد

( بشارت )

انجمنی باسم انجمن دارالوکاله اسلامی بهمت و حسن  
اقدامات جناب حاج زین العابدین خان شریف شیرازی که از وطن  
پرستان و نوع خواهان عصر بشمار است تاسیس شده اعضای انجمن  
مرکب است از مستخدمین سفارتخانه ها و نوکر های خارجه و داخه  
که بشرایطی که در نظامنامه اشان مذکور است زیر قفله میشوند و  
الحق این انجمن مبارک بموجب نظامنامه که دار بند خدمت بزرگی  
بنامه و وطن برعهده گرفته اند بواعث آسایش و راحت بزرگان  
شده اند نظامنامه این انجمن مشتمل است بر دوازده فصل که  
طبع خواهد شد بموجب نظامنامه اعلان میکنند که از همه قیبل  
اشخاص مستخدم و نوکر از منشی و دفتر دار و پیشخدمت و  
خوراک بزرگه بعضی از آنها بزبان خارجه نیز آشنا باشند باتمام شرایط  
که بخوانند حاضر است و همچنین کسانی که مستملکات از قیبل خانه  
و دکان بخوانند بفروشد یا بیع شرط بگذارند بتوسط این انجمن  
با کمال تحت صورت داده میشود خداوند عموم هموطنان را توفیق  
خیر و خدمت بنوع عنایه فرماید ( محل انجمن خانه ناظم الدوله  
که فعلا سفارت ایتالی است )

اعلان

یکدستگاه دور بین عکاسی با بعضی اسباب لازم آن  
در کتابخانه خورشید رو بروی شمس العماره موجود است  
هر کس طالب باشد به کتابخانه مذکور اطلاع بدهد به  
قیمت خیلی مناسب داده میشود .

( حسن الحسینی الکاشانی )

خلاصه تظلم عموم اصناف اردبیل

ای امنه دولت شمارا بناموس اعظم الهی قسم میدهم که  
بمراض ما برسید آیا خلک ما از ایران و خود ما از اسلامیت  
خارجیم؟ شما را بخدا فکری بحال ما بیچارگان کنید —  
حکمران اردبیل باسم مشروطیت انجمنی بدخواه خود دوست  
کرده که تبعه ایست از دیوانخانه ظلم و استبداد اهالی و لایزال بچوب  
کاری و جرمه اخراج طوری رسانده که احدی نمیتواند حرفی  
از قانون مشروطیه بزند جمعی فقرا و بیچارگانرا از شدت جور و ظلم  
پروسیه فراری داده و باسم خرج انجمن سه هزار تومان از کسبه  
ورعیه بیچاره پول گرفته و عمید السلطان را که شرارتش علیرا  
سوزانده حاکم خلخال نموده و همراهی اشرا را فولادلو برای  
اهالی خلخال جان و مال و ناموس باقی نگذاشته اند و محمد قلی  
مشهور الابرار او جار و دکه سرحد است فرستاده مشغول قتل  
و غارت و همچنین مبصر السلطنه را که در شقاوت نالی  
عمید السلطان است حاکم نین و استارا کرده و پیاده زیاد از  
خوانین کبری و پاشا خانو همراه با استارا برده و انجمن  
خیره آنجا را برچیده اند و اهالی از خوف اغلی برشت  
و روسیه فرار کرده اند قتل و غارت مبصر السلطنه در  
ویرمونی و استارا و محمد قلی در او جار و دکه باعث شد که  
دولت روس سیصد سوار قزاق با استارا و زیاده از پانصد  
قزاق به او جار و دکه فرستاد خود حکمران نیز شب و روز  
در اردبیل با ویس قوفل در خلوتست بعضی خبرها که  
اسباب وحشت است نشر میشود ایضا قره خان نامیرا میان  
طوایف شاهسون فرستاده سوار جمع کرده بپهران بفرستد  
چنانکه سوارها را در وقت عزیمت آورده باردبیل و از  
حکومت خرج و دستور العمل گرفته عازم شوند و در  
انقلاب طهران که تمام بلاد ایران تعطیل کرده با مجلس  
مقدس مساعدت نمودند مای بیچارگانرا مانع از بستن بازار شده  
و شهرت برهم خوردن مجلس مقدس را دادند هر چه تا بحال  
از حکومت و ظلم انجمن بدتر از حکومت بحضور حجج  
اسلام و وکلای آذربایجان تظلم و دادخواهی شده مرحمتی  
تفرموده اند شما را بجدتان قسم میدهم که این عریضه را  
درج و نسخه آرا بفرستید حضور حجین علیتین آقای  
آقاسید عبدالله و آقاسید محمد طباطبائی و وکلای محترم  
آذربایجان شاید رحمتی بحال ما کرده علاجی نمایند آخر ما  
مسلمان و بنده خدایم تا کسی باید اسیر ظلم و ستم ظالمان  
باشیم

خلاصه راپرت از سرحد استارا

رشید الملک حاکم کل بحال اردبیل مصباح الملکرا باشصت  
سوار و چهل پیاده بسر قریه ویرمونی فرستاده قریه  
دوساعه بصبح مانده مصباح الملک با سوار و پیاده وارد قریه  
و کلوله باران کرده یک زن و یک طفل بادو سه نفر دیگر